

۱۳۹۲۲۱۴
۱۳۹۴، ۱۱، ۷

۱۳۹۴، ۱۱، ۷

مافی

طلوع، درخشش، غروب

بانیو

طلوع، درخشش، غروب
دکتر محمد سلطانی رنانی
عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان
انتشارات دلیل ما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: توشمس

چاپ: فرش

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷-۵-۳

تلفن و نمابر: ۰۲۱-۷۷۴۰۰۸۸ - ۰۲۱-۳۷۷۳۳۴۱۷ (+۹۸۲۵)

آدرس: قم، خیابان معد، مجتمع نشان

طبقه ششم، واحد ۱۲ و ۱۳

www.dalilema.ir (با امکان خرید اینترنتی)

Dalilema@yahoo.com سامانه پیامکی: ۰۲۱-۴۵۰۰۰۰۰۰

انتشارات دلیل ما

مراکز پخش:

- ۱) قم، خ معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، واحد ۹، تلفن: (۱۰ خط) ۳۷۸۴۲۴۶۶
- ۲) قم، خ صفائیه، رویروی کوچه ۳۸، پلاک ۷۸۹، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۳۷۷۳۷۰۱۱ - ۳۷۷۳۷۰۰۱
- ۳) تهران، خ انقلاب، خ فخرآزی، فرومگ. دلیل ما، پلاک ۶۱، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱
- ۴) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی ب۶، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۳۲۲۳۷۱۱۳-۵

سرشناسه	سلطانی رنانی، محمد، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور	بانیو طلوع، درخشش، غروب / محمد سلطانی رنانی
مشخصات نشر	تهران: دلیل ما، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۳۱۷ ص.
شابک	978-964-397-955-3
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۳۱۱.
موضوع	فاطمه زهرا(س)، ۹۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق.
موضوع	فاطمه زهرا(س)، ۹۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- احادیث
رده بندی کنگره	۱۳۹۴ ب ۲ ۷۲۵ س / ۲ / BP
رده بندی دیویی	۲۹۷ / ۹۷۳
شماره کتابشناسی ملی	۴۰۱۱۳۵۸

فهرست

۱۱	پیش درآمد
۱۵	طلوع
۱۷	بخش اول: پیشینیان بانو
۱۷	ابراهیم علیه السلام و هاجر
۲۱	عبدالله و آمنه علیهما السلام
۲۴	محمد صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام
۳۰	نگین
۳۱	بخش دوم: تولد فاطمه علیها السلام و هرا
۳۱	پیامبری محمد مصطفی صلی الله علیه و آله
۳۴	میلاد بانو فاطمه علیها السلام
۳۷	نام فاطمه
۳۹	نگین
۴۱	بخش سوم: آغوش مادر
۴۱	مادر مومنان
۴۵	خدیجه، افتخار اولیاء
۴۷	نگین
۴۸	بخش چهارم: سایه سار پدر
۴۸	پیامبر؛ بردبار و استوار
۵۰	هجرت؛ سرآغاز پیشرفت
۵۳	سال اول هجرت
۵۴	سال دوم هجرت
۵۴	سال سوم هجرت

۵۶ سال چهارم هجرت

۵۶ سال پنجم هجرت

۵۷ سال ششم هجرت

۵۸ سال هفتم هجرت

۵۸ سال هشتم هجرت

۶۰ سال نهم هجرت

۶۱ سال دهم هجرت

۶۲ سال ازدهم هجرت

۶۶ نگین

۶۷ بخش پنجم: ازدواج بانو

۶۷ خواستگاری

۶۹ خطبه ازدواج

۷۰ زفاف

۷۴ آیین ازدواج

۷۶ نگین

۷۷ بخش ششم: خانه روشنایی

۸۵ نگین

۸۷ درخشش

۸۷ درخشش

۸۷ درخشش

۸۹ بخش هفتم: بانو در قرآن کریم

۹۰ سوره کوثر

۹۵ آیه اطعام

۹۸ آیه مباهله

۹۹ آیه تطهیر

۱۰۱ آیه مودت

نگین	۱۰۷
بخش هشتم: بانو در آینه نبوی	۱۰۹
پیامبر و بانو فاطمه	۱۰۹
پاره تن پیامبر	۱۱۰
خشنودی و خشم بانو فاطمه	۱۱۳
نگین	۱۱۶
بخش نهم: بانو از زبان امامان معصوم علیهم السلام	۱۱۷
بانو در خاطر امیر علیه السلام	۱۱۷
مادر پیشرایان	۱۲۱
نگین	۱۲۹
بخش دهم: بانو و عبادت	۱۳۰
تعقیبات فاطمی	۱۳۱
دعا در هر روز هفته	۱۳۵
تسبیحات فاطمی	۱۳۸
دعای جامع فاطمی	۱۳۹
تسبیحات حضرت زهرا	۱۴۰
نماز فاطمه زهراء علیه السلام	۱۴۳
نگین	۱۴۶
بخش یازدهم: باورهای فاطمی	۱۴۷
توحید و یکتاپرستی	۱۴۷
عدل الهی	۱۵۶
نبوت و پیامبری	۱۶۳
امامت و پیشوایی	۱۶۹
جهان واپسین	۱۷۳

نگین ۱۷۶

بخش دوازدهم: اخلاق و فقه در آینه فاطمی ۱۷۹

اخلاق فاطمی ۱۸۰

فقه فاطمی ۱۸۵

نگین ۱۹۱

غروب ۱۹۳

بخش سیزدهم: پس از پیامبر اکرم ۱۹۴

اهل بیت پیامبر اکرم (علیهم السلام) ۱۹۴

صحابه پیامبر اکرم ۱۹۸

سنت پیامبر اکرم ۲۰۹

جانشینی پیامبر اکرم ۲۱۱

نگین ۲۱۷

بخش چهاردهم: بانو در برابر سقیه ۲۲۰

نگین ۲۳۲

بخش پانزدهم: فدک؛ فریاد دادخواهی کوثر ۲۳۴

فدک کجاست؟ ۲۳۴

قرآن کریم و فدک ۲۳۵

فدک پس از پیامبر اکرم ۲۳۸

داوری یک ناداوری ۲۴۴

نگین ۲۵۰

بخش شانزدهم: خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) ۲۵۲

منابع خطبه بانو ۲۵۲

متن و ترجمه خطبه ۲۵۴

۲۷۵	نکین
۲۷۸	بخش هفدهم: واپسین روزها
۲۷۹	فاطمه و علی علیهما السلام
۲۸۱	بانو و دفاع از امامت
۲۸۲	عیادت زنان
۲۸۴	عیادت بانو امّ سلمه
۲۸۵	عیادت بانو دو
۲۸۷	عیادت عباس بن عبدالمطلب
۲۸۷	بانو، گریبان رفته
۲۸۸	آخرین اذان بال
۲۸۸	پیکرم پوشیده ماند
۲۸۹	نکین
۲۹۰	بخش هجدهم: و غروبی غمبار
۲۹۱	وصیت
۲۹۴	هنگامه درگذشت
۲۹۷	خاکسپاری
۳۰۰	نکین
۳۰۳	پی‌نوشت‌ها
۳۰۳	مدفن بانو
۳۰۴	زیارت‌نامه
۳۰۹	لزوم دقت در نقل حدیث و سیره
۳۱۰	فاطمیما
۳۱۳	کتابنامه

پیش درآمد

پرده نخست: سانحه

عصر روز شنبه بود، هشتم اسفند سال هشتاد و هشت. پدرم از اصفهان تماس گرفت، صدایش به شدت نگران و لرزان بود: محمد، فاطمه تصادف کرده، بهوش نیست، دعا کن، برو حرم حضرت معصومه دعا کن رند بمحمد....

ما سه برادریم و یک خواهر. او از همه ما کوچک تر است. همین هفته پیش بود که در مراسم عقدش شرکت کردم. و اکنون هنوز یک هفته از مراسم شادی نگذشته که فاطمه بر اثر یک سانحه رانندگی به کما رفته است.

به حرم بانو فاطمه معصومه علیها السلام رفتم، در برابر بارگاه بانو ایستادم. آنچه که برایم بیش از همه اهمیت داشت، اندوه مادر و پدرم بود که آیا می توانند برای سومین بار غم از دست دادن فرزند را تاب بیاورند.

مدتها پیش مساله مرگ و زندگی برایم حل شده بود. ما را به این جهان فرستاده اند که بر سر سفره اش بنشینیم و هر گاه که صاحب خانه خواست از پای این سفره ما را می برد! نه آمدنمان به پای خودمان است و نه رفتنمان به دستان!

و من فکر می‌کنم که هیچ مرگی نابهنگام نیست؛ زیرا هنگامه مرگ را تنها و تنها او تعیین می‌کند. و هر زمان را که او دست بگذارد، همان آن، هنگامه‌ی رفتن ماست! ولی آنچه که کمرشکن است، اندوه بازماندگان است که گاه در غم عزیز سفرکردشان هر روز تلخی مرگی دوباره را می‌چشند.

اینها واگویه‌هایی بود که با خدای خویش داشتم. می‌دانستم که بیشتر از هر کسی، مادر است که شکسته... از او خواستم که با بانو فاطمه معصومه سخن بگوید، بگوید که دخترش هم‌نام اوست، بگوید که هم سن و سال اوست، بگوید که تنها دخترش را دوست دارد، و بگوید که از خداوند بخواه که فاطمه بماند...

پرده درم: نذر

چه کنم. فاطمه نریبه مغزی شده و در حالت کماست. ممکن است که مدت‌ها در این حالت بماند، و ممکن است بازگردد، و آیا سالم و توانمند بازمی‌گردد؟ و اگر بازنگشت؟!

چه می‌توان کرد؛ جز دعا، و البته بردباری... نذر کنم! برای فاطمه خانه خودمان نذر کنم که کتابی درباره بازی بانوان فاطمه زهرا علیها السلام بنویسم. در حد توان خویش، به مقدار دانسته‌هایم، به اندازه اندیشه و زبان و قلمم، و البته بر پایه توفیق پروردگار. نذر کردم که خواهرم، سالم و بدون عوارض، از حالت کما بازگردد و شفا پیدا کند، و من کتابی درباره بانو بنویسم.

پرده سوم: شفا

فاطمه در پی یک عمل جراحی مغز چندساعته بازگشت، از حالت کما درآمد، به هوش آمد. خدا را شکر...

"وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْخِفْني بِالصَّلَاحِ وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ" ۱۰ و آن گاه که بیمار شوم، او مرا درمان می بخشد. و اوست که مرا می میراند و پس از آن زنده می کند. و او که امید دارم به روز پاداش، گناهم بیامرزد. پروردگارم مرا حکمتی ببخش و مرا به شایستگان بپیوندد. و برای من در آیندگان آوازه ای نیکو گذارد.

چند ماهی عوارض و پیامدهای طبیعی ناشی از ضربه مغزی و عمل جراحی ادامه داشت، منی به لطف خداوند، و دعای خیر مردان و زنان مومن، آن عوارض نیز پایان یافت و فاطمه به زندگی بازگشت. و حال نوبت آن است که به پیمان خویش پایبند باشم و نذر مرا به انعام رسانم.

پرده چهارم: بانو؛ طلوع، درخشش، غروب

همیشه پیش از آنکه کتاب یا ساله ای بنویسم، نام آن را برمی گزینم. پیامبر اکرم، حضرت فاطمه زهرا را سیده نساء العالمین لقب دادند؛ آنچه که به پارسی می شود: بانوی زنان جهان. و همان سال، سرور، سالار، و دیگر الفاظ مدح و ستایش در حالت اطلاق به برترین فرد خویش برمی گردد؛ "بانو" نیز آن گاه که بدون هیچ قیدی بر زبان آید، به برترین بانو، دخت پناه بر اکرم، همسر علی مرتضی و مادر پیشوایان معصوم، فاطمه زهرا بازگشت می کند. و آن گاه که معروف است و روایات و گزارش هایی نیز بر آن دلالت دارد، آن حضرت در ایران جهان هجده بهار بیش ندید. پس کتاب را در هجده فصل تدوین نمودم و نام آن را چنین برگزیدم:

بانو فاطمه زهرا؛ طلوع، درخشش و غروب.

پرده پنجم: خدمتی بسزا برنیامد از دستم...

دشوار است، نمی‌خواهم آنچه دیگران نوشته‌اند را در کتابم بازنویسی کنم، نمی‌خواهم بدون تحقیق و پژوهش مطلبی را نقل کنم، نمی‌خواهم تنها برای ادای نذر کتابی بنویسم. و البته من چگونه می‌توانم برای بانوی جهانیان، فاطمه زهرا کتاب بنگارم؟! با کدام توان و وسع؟! با کدام دانش و دانسته؟!

آغاز کردم. و واژه به واژه، سطر به سطر، صفحه به صفحه نوشتم. بیش از پنج سال به طول انجامید! و نتیجه این شد که همینک می‌بینید: هجده فصل درباره بانو فاطمه زهرا که هر فصل نگینی نیز در درون خویش دارد.

دوست داشتم که چند بیتی از خواجه شیراز، مناسب حال بیاورم. و شاید در سرتاسر دیران و بی‌زیاتر و شایسته‌تر بدین مقام نیاشد که:

چو زده گرچه بر من بدست عشق که در هوای رخت چون بر مهریوتم
اگر چه خرمن عمرم، غم تو دایم باد بر خاک پای عزیزت که عهد شکستم
چگونه سر ز خجالت برآورم بر دوست که خدمتی بسزا برنیامد از دستم